

به نام خدا

«سبک زندگی امام موسی کاظم(ع) در مسائل اقتصادی به ویژه کار و تلاش»

«سرکار خانم طیبه رنجبر»

چکیده :

از نظر اسلام کار و تلاش برای اداره ی زندگی امری پسندیده و با دین داری سازگار است. پیشوایان دین مردم را به تلاش و فعالیت، تشویق و از تنبلی و بیکاری نهی کرده اند، امام موسی کاظم(ع) در خط زندگی خویش سعی داشتند هم از طریق سخن و هم از راه عمل مردم را به کار و تلاش سوق دهند ایشان می فرمودند: برای وجود خودتان بهره ای از دنیا قرار دهید و این از طریق اقناع هوس نفس از حلال است به گونه ای که بر اثر آن جوانمردی پایمال نشود و اسراف و زیاده روی در آن صورت نگیرد .

کلمه واژه : «سبک ، کار ، کاظم»

«مقدمه»

تلاش برای تأمین زندگی مادی از موضوعاتی است که در شریعت مقدس اسلام بر آن تأکید فراوان شده است، قرآن کریم در آیات فراوان از آفرینش زمین و آسمان ، خشکی و دریا، ماه، خورشید و ستارگان ، شب و روز همه ی عوامل طبیعی به عنوان مقدمه تأمین معاش آدمی یاد می کند.

از دیدگاه اسلام کار، تلاش و اشتغال به یکی از حرفه های مفید نه تنها با ایمان و تدین منافاتی ندارد، بلکه در مدح کار، اشتغال و نکوهش تنبلی و بیکاری احادیث فراوانی به دست ما رسیده است در این مقاله تلاش می شود. دیدگاه امام موسی را دوباره کار و تلاش از زوایای مختلف بر شمردیم

«الهی به امید تو»

معنای کار و کارگری (عبدوس - اشتهدادی، ۸۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹)

کار در اسلام، هر نوع تلاش و فعالیت و شبی است که موجب تولید محصول و بزدهی گردد. کار، اختصاص به کارگری با کلنگ و بیل ندارد، کلمه شامل کارهای یدی و فکری مانند کارهای صنعتی، بهداشتی، کشاورزی، تجارت، رانندگی و ... خواهد شد. لذا کسی که با بیل و کلنگ کار می کند کارگر است و نویسنده، مهندس، مخترع نیز کارگرند و همه این افراد در رشته ای از رشته ها باز دهی کاری دارد و با تلاش فکری و یدی کارها را به نتیجه می رسانند نیازهای انسان، تنها مسکن و خوراک، پوشاک نیست بلکه نیازهای دیگری چون تجارت، علم، بهداشت و ... دارد بنابراین یک جامعه برای رفع نیازمندی های خود نیاز به کارهای مختلف دارد هر کاری که محصول مثبتی داشته باشد و معاش زندگی را تأمین کند مقدس و در اسلام به عنوان کار مورد تبعید قرار گرفته است.

اگر کسی برای کسب معاش و تأمین زندگی سالم، بایستی پاک به دنبال دنیا و مواهب دنیا برود و آن را وسیله امور معنوی و آخرت قرار دهد، نه تنها گناه و خطا نکرده، بلکه ثوابی نیز کرده و دارای بهترین پاداش ها در پیشگاه خداوند است چنان که در قرآن همین مطلب را به ما آموخته تا در دماهای خود بخوانیم.

«ربنا آتنا فی دنیا حسنه و فی الآخره حسنه» (بقره/۲۰۱)

«پروردگارا! هم در دنیا نعمت ها و نیکی های را بر ما ارزانی بدار و هم در آخرت»

جلوه ای از کار امام موسی کاظم(ع) (تقوی - ۸۷ - ص ۱۳۸)

علی بن حمزه می گوید: یکی از روزها حضرت موسی بن جعفر(ع) را دیدم که برای آماده کردن زمین چنان مشغول تلاش و فعالیت است که عرق از سر تا قدمش را فرا گرفته بود نزدیک آن جناب رفته و عرض کردم فدایت شوم. کارگران و خدمت گذاران کجایند که شما کار می کنید؟ امام علیه السلام فرمود: ای علی بن حمزه! کسی که از من و پدرم بهتر است بر روی زمین خود کار می کرد. عرض کردم: آن شخص چه کسی است که از تو و پدرت بهتر است؟

فرمود: رسول خدا و امیر مؤمنان و همه ی اجدادم در گذشته ، دست های و نیروی بازویشان را به کار انداخته اند و چنین شیوه ای سیره ی همه پیامبران و رسولان و اوصیاء و همه ی بندگان صالح خداوند بوده است. پس در مواقع کار و تلاش در جهت تأمین مخارج زندگی و مایحتاج عمومی نه تنها عیب و نقص نیست بلکه چیز است که جمله ی انبیاء و اولیاء بر آن بوده اند.

(المحججه البیضاء ج ۳/ ص ۱۴۷، کافی ج ۵ ص ۷۵. بحارج ۴۸ ص ۱۱۵)

**وضع زندگی عامه (در عصر امام موسی بن جعفر(ع)) (قائمی - ۸۷ ص ۱۳۰)**

در عصر حیات امام موسی بن جعفر(ع) طبقه ای خاص از مردم ، آن ها که پیوستگی و وابستگی به دستگاه زمامدار داشتند در وضع و شرایط خوبی از نظر رفاه به سر می برند. حیات اینان به واقع در گرو چپاول و غارت اموال طبقه ی دیگر، از طریق اخذها، مصادره هاو مالیات های سنگین تأمین می شد که از اینان جبراً می گرفتند.

چه بسیار از کشاورزان و حتی مغازه داران که به علت چنین وضع و موقعیتی دچار آشفتگی و نابسامانی اقتصادی شده و یا از ورشگستگی و ترک کار و فعالیت سر در آوردند و چه بسیار دیگر که در عصر هارون به اعتراض دست از اشتغال و تلاش کشیدند.

در میان طبقات عامه دو گروه وضع بدتر در عرصه اقتصادی داشتند یکی گروه علویون که در شدت فقر و تنگدستی به سر می بردند و حتی برخی از آنان به نان شب خود محتاج بودند . و دیگر گروه شیعیان از پیروان و دوست داران اهل بیت(ع).

دستگاه زمامدار، با اعمال فشارها و با حبس ها و تبعیدها و یا زمینه سازی برای تا راندن آن ها از خانه و کاشانه و وطن، و با محروم داشتن آن ها از بیت المال و یا متهم داشتن آن ها در عرصه اجتماعی، که حتی مردم حاضر نبودند، آنان را و او به صورت موقت برای کار دعوت کنند، آن ها را جداً به استیصال کشانده بود.

پرهیز از تنبلی (قائمی - ۸۷ - ص ۲۳۶)

امام موسی کاظم(ع) مانند رسول خدا(ص) مشوق به کار و فعالیت بود و خود در چهره یک الگوی کار و تلاش مشروع در نزد مردم جلوه گری می کرد. با همه محدودیت های وقتی ، سیاسی، اجتماعی تن به کار می داد و عملاً به مردم می آموخت اگر بخواهند به استقلال واقعی در زندگی دست یابند، و وابستگی ها از آنان بکشند چاره ای ندارند جز این که به مانند ایشان و همه ی اولیاء خدا تن به کار دهند.

همان طور که امام موسی کاظم(ع) فرمودند : (تقوی، ۸۷، ص ۲۲۸)

از تنبلی وی حوصلگی پرهیز که این دو خصلت تو را از بهره مندی از دنیا و آخرت محروم سازد (اصول کافی / جلد ۵ / ۸۵) کار و تلاش ، برای اداره ی آبرومندانه زندگی ارزش محسوب می شود، ارزشی به والایی جهاد رد راه خدا و در مقابل تنبلی و بی حوصلگی ضد ارزشی بشمار می آیند.

عدم وابستگی به دنیا (قائمی - ۸۷ - ص ۲۳۷)

در عین حال این هشدار هم از سوی امام مردم داده می شد که باید از دنیا برای گذراندن زندگی بهره گرفت ولی هرگز نباید بدان وابسته شد. دنیا دوستی برای کار و تلاش و بهره گیری از مواهب آن نیکوست ولی دنیا پرستی کاری زشت و پلید است.

در مواردی از ایشان راجع به مجاز بودن استفاده یک بنده ی پاک از مواهب زندگی سؤال می کردند و امام به این آیه ی قرآن اشاره می کرد. بگو ای پیامبر چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفرید حرام کرده است و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع نمود؟ بگو این نعمت ها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص این ها یعنی لذات کامل بودن الم و نیکوتر از این در آخرت بر آنان خواهد و بد :

« قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿اعراف/ ۳۲﴾ »

ایشان عشق به دنیا و آرزو بستن به آن را نهی می کرد و می فرمود که دنیا چون خود ما فانی است و آن چه را که فنا پذیرد دلبستگی نشاید. به هنگامی که سر رسیده ها و اجل ها خود را عیان کنند، آرزوها و امیدها و دلبستگی ها از رسوائی سر در آورند (امام کاظم(ع) میزان الحکمه / جلد ۱ / ۱۳۳)

امام (ع) در این زمینه سخنان دیگری هم دارد از جمله آن که فرمود: هر که عاشق دنیا شد ترس آخرت از دلش رخت بر می بندد. (تحف العقود / ۴۲۱)

و در جای دیگر حضرت فرمودند: (دهقان ، ۸۶ ، ص ۴۲۱)

دنیا مانند مار است که پوستی نرم دارد و در درون آن زهر مهلک است، شخص عاقل از آن پرهیز می کند و کودک نادان بدان عشق می ورزد. (بحار الانوار جلد ۸۷ / ۳۱۱)

پرهیز از اسراف (اسحاقی - ۹۰ ص ۱۳۲)

اسراف ، به هدر دادن نعمت های خداوند است ، آن که در به دست آوردن طی لقمه ای نان «ابر و باد و خورشید و فلک» رده ها عامل پیدا و پنهان دیگر را مؤثر می داند، هرگز اتسراف نمی کند. در حقیقت ، اسراف ، پشت پا زدن، بی توجهی و بی حرمتی به همه ی عوامل یا دهنده است. هرگز شکوفایی و رونق اقتصادی ، با اسراف و هدر دادن بیهوده اموال امکان پذیر نیست، و هرگز شخص و ملت اسرافکار، بر رشد اقتصادی نخواهد رسید.

از این رو، اسراف، آفت کار نیز به شمار می آید، زیرا آن که هم کار می کند و هم اسراف، مانند آن است که در صندوقی که ته ندارد، پول می ریزد و بدیهی است که ثروتی برای او اندوخته نخواهد شد و پیشرفتی نخواهد کرد.

امام کاظم(ع) در این زمینه فرمودند: «هر کس ثروتی دارد از فساد بپرهیزد، زیرا نادرست خرج کردن ثروت، زیاده روی و اسراف است. اسرافکار نزد مردم بلند مرتبه و محترم ولی نزد خدا حقیر و پست است.» (مستدرک الوسائل / جلد ۱۲ / ۳۵۱)

**اسراف ستمگران** (هیئت محمد امین، ۸۵، ص ۴۱۵)

روزی عده ای از دربار پادشاه روم به میهمانی هارون الرشید عباسی به بغداد آمدند هارون در مسیر عبور آنان صد و هشتاد هزار غلام گماشت که تمام آنان لباسی متحد الشكل داشتند و با شمشیر های آخته و سر تا پا غرق آهن ایستاده بودند. بیست و هشت هزار فرش از گرانبهاترین فرش های آن زمان گسترانید، چهل هزار سایه بان از دیباج و ایریشم برای آنان برافراشت. به اضافه ی سایر تزئینات. شب هنگام تمام راه را که چهار فرسخ بود با چراغ روشن کرد. و در ورودی کاخ شیرها و پلنگ های تربیت شده برای مراسم خوش آمد گویی به صف کشید. داخل کاخ که به نام کاخ جاودانگی معروف بود بسیاری از مواد اسراف و زیاده روی و غرور و تکبر به چشم می خورد در حالی که در همان زمان در گوشه ای دیگر از شهر بغداد و سایر ممالک اسلامی فقر، بدبختی و بیچارگی بیداد می کرد، به گونه ای که حتی بعضی از آنان لقمه ای نان یا لباسی ساده و سایه بانی کوچک نداشتند.

**قناعت (صرفه جویی)** (هیئت محمد امین -۸۵- ص ۴۳۳)

قناعت حالتی است مخالف حرص که بسیار پسندیده است و مایه ی عزت و آزادگی نفس است. قناعت یعنی اکتفا کردن به قدر حاجت و ضرورت در مال و سایر امور دنیایی. صفتی است والا که از بزرگ ترین راه های

رسیدن به سعادت ابدی است شخص قانع از فکری آزاد برخوردار است و خیلی آزادانه به امور دینی مشغول می‌گردد و به آسانی راه آخرت را در پیش می‌گیرد.

در فضیلت تجارت کردن و طلب حلال نمودن: (علامه مجلسی، ۸۶، ۶۰۹)

امام موسی کاظم(ع) فرمودند: بامداد برو به سوی چیزی که موجب عزت توست یعنی بازار. (جباران، ۹۱، ۱۷۷)

و در جای دیگر فرمودند: مال حرام رشد نمی‌کند و اگر رشد کند، برکت و دوام ندارد (کافی؟ جلد ۵/۱۲۵/ میزان الحکمه/جلد/ ۲۵۷)

کار و خدمت به مردم: (تقوی - ۸۷ ص ۲۰۴)

امام کاظم(ع) فرمود:

برای خداوند در روز زمین بندگان وجود دارد که در جهت تأمین نیازهای مردم تلاش می‌کنند، این خادمان، روز قیامت در سایه رحمت الهی، در امنیت قرار دارند.

#### مدیریت زمان

امام کاظم(ع) فرمود: (تقوی - ۸۷ ص ۲۴۸)

بکوشید در این که وقت خود را به چهار بخش تقسیم کنید:

- ۱- بخشی برای مناجات با خداوند متعال
- ۲- بخش هم برای کار و تلاش جهت تأمین معاش
- ۳- بخشی برای معاشرت با برادران دینی و افراد مورد اعتماد
- ۴- بخش از وقت خود را هم آزاد بگذارید برای درک لذت های حلال. (تحف العقول/۴۰۹)

## نتیجه گیری :

کار و کوشش قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصادی و دست یابی به اهداف و آرزوهای بلند است. هر که این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق می گیرد و شکوفا می شود، اگر کار جایگاه واقعی خود را در فرهنگ کشور پیدا کند، کار کردن و کار آفرینی به فرهنگ عمومی تبدیل و معضلات اقتصادی جامعه از جمله بیکاری از طریق به کار گیری تکنولوژی مناسب حل می شود پس می توان گفت حل معضل بیکاری در گرو جدی گرفتن کار و اهمیت دادن به آن است و اگر چنین شود کل اقتصاد کشور متحول شده و جامعه در مسیر توسعه قرار می گیرد

## پی نوشت :

عبدوس - اشتهازدی، ۸۳، ص ۳۰۷ - ۳۰۸ - ۳۰۹

تقوی - ۸۷ - ص ۱۳۸

قائمی - ۸۷ - ص ۱۳۰

قائمی - ۸۷ - ص ۲۳۶

تقوی، ۸۷، ص ۲۲۸

قائمی - ۸۷ - ص ۲۳۷

دهقان، ۸۶، ص ۴۲۱

اسحاقی - ۹۰ ص ۱۳۲

هیئت محمد امین، ۸۵، ص ۴۱۴

هیئت محمد امین، ۸۵، ص ۴۱۵

هیئت محمد امین - ۸۵ - ص ۴۳۳

علامه مجلسی، ۸۶، ۶۰۹

جباران، ۹۱، ۱۷۷

تقوی - ۸۷ ص ۲۰۴

تقوی - ۸۷ ص ۲۴۸



## منابع :

- قرآن
- عبدوس و محمد اشتهاردی، محمد تقی و محمد، ۱۳۸۳، آموزه های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، قم، بوستان کتاب قم.
- تقوی، سید رضا، ۱۳۸۷، سیره تربیتی حضرت موسی بن جعفر، تهران، نشر نخیل.
- قائمی، دکتر علی، بهار ۱۳۸۷، در مکتب اسوه صلابت و مقاومت امام موسی کاظم(ع). قم انتشارات امیری.
- خرازی، آیت الله سید محسن، ۱۳۸۶، زندگی نامه ۱۴ معصوم، قم، انتشارات مسجد مقدس جمگران.
- دهقان، اکبر، بهار ۱۳۸۶، یکصد و پنجاه موضوع از آیات قرآن و احادیث اهل بیت(ع)، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن .
- هیئت، محمد امین، ۱۳۸۵، اخلاق اسلامی، سید صادق ثنائی زاده، قم، دارالانصار.
- اسحاقی، سید حسین، تابستان ۱۳۹۰، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، قم، مرکز نشر هاجر
- مجلسی، علامه محمد باقر، ۱۳۸۶، حلت المتقین، سید علی امامیان، قم، انتشارات سرور.
- جباران، محمدرضا، ۱۳۹۱، درسنامه علم اخلاق، قم، مرکز نشر هاجر.